: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.69240.1023
مقالهٔ پژوهشی- مطالعه موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شمارهٔ پیاپی ۳۶

تحلیل نابرابری فضایی سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی محلات منطقهٔ دو شهر تهران

احمد پوراحمد (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسندهٔ مسئول)

apoura@ut.ac.ir

حسین حاتمی‌نژاد (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

hataminejad@ut.ac.ir

شهرام چرخان (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

shahramcharkhan@ut.ac.ir

صص ۳۲۰ ـ ۲۹۳

چکیده

دستیابی به توسعه، مستلزم برقراری تعادل در درون شهر می‌باشد که در قالب عدالت فضایی در شهر بروز می‌کند. برقراری عدالت اجتماعی و به تبع آن عـدالت فضـایی راه‌حل بسیاری از نارسایی‌ها و ناهنجاری‌ها در شهر است. در این فرایند اسکان غیر-رسمی و نابرابری فضایی کانون بی‌ثباتی و تعارض محسوب می‌شـوند و بـه واسـطهٔ فرایندهای مشابه به یکدیگر مرتبط مـی‌گردنـد. هـدف ایـن مقالـه، بررسـی عوامـل ساختاری موثر برشاخص‌های عدالت فضایی سـکونتگاه‌هـای غیررسـمی منطقـهٔ دو تهران است که با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی، آمار فضایی در محـیط GIS، به مقایسهٔ تطبیقی نابرابری فضایی محلات غیررسمی و تحلیل شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و رفاهی-کالبدی این محلات پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که محلات منطقهٔ دو شهر تهران، به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مورد بررسی در وضعیت مناسبی قرار ندارند. محلات شهرک غرب و پونک در بهترین وضعیت برخورداری و

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

محلات اسلام‌آباد و فرحزاد در بدترین وضعیت برخوردری از شاخص‌های مطرح شده، قرار دارند. در مجاورت محلات کم‌برخورداری مانند اسلام‌آباد و فرح‌زاد، در محلات برخوردار منافع عده‌ای محدود و مرفه شکل گرفته، انگاره‌ای که نشانگر مهندسی نسبتاً دقیق، علم، فن و معماری و ... می‌باشد (تولید فضای برآمده از رفاه). در مقابل، فضایی که تنها براساس رفع نیاز سادهٔ تودهٔ فقیر شکل می‌گیرد و هر روز در یک سیر قهقرایی رو به زوال است (تولید فضای برآمده از فقر)، به نابرابری هرچه بیشتر محلهٔ اسلام‌آباد و فرحزاد و حتی کوهسار با محلات هم‌جوارشان دامن می‌زند. این مهم، نمایانگر این است که در محلات برخوردار همبودگی پول، سرمایه، قدرت، رانت و... بر فضا غالب شده و موجب شکل‌گیری فضای نابرابر در کل منطقه و پهنه‌های هم‌جوار در ساختار فضایی منطقهٔ دو می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسکان غیررسمی، نابرابری فضایی، تولید فضا، بورژوازی مستغلات، منطقهٔ دو.

۱. مقدمه

روند شهری شدن جوامع به سرعت رو به افزایش گذاشته و شهرنشینی از مشخصه‌های بارز عصر حاضر است. «تا سال ۲۰۵۰ میلادی، از هر ده نفر، هفت نفر در شهرها زندگی خواهند کرد. با این اوصاف سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های نامناسب، به توزیع فضایی نامطلوب مردم و فعالیت‌های آن‌ها منجر شده و در نتیجه گسترش محله‌های فقیرنشین، تراکم نامناسب، دسترسی ضعیف به خدمات پایه‌ای، تخریب محیط‌زیست و نابرابری اجتماعی و تبعیض را در پی خواهد داشت. شهرها به‌خصوص در ممالک کمتر توسعه‌یافته به واسطهٔ رشد شتاب‌زده با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو هستند. پیامدهایی از قبیل ناکافی بودن مسکن مناسب، روند رو به گسترش اسکان غیررسمی[1]، فقرشهری[2] و نابرابری فضایی[3] (برآمده از ناهمگونی توسعهٔ کالبدی ـ فضایی با توزیع منابع، خدمات و تسهیلات و...) در سطح شهر

1. Informal settlement
2. Urban poverty
3. Spatial inequality

ازجمله چالش‌های پیش رو و حال حاضر شهرها است» (هبیتت[1] ، ۲۰۱۵، ص ۳۰). از آنجا که جهت‌گیری اساسی مطالعات جغرافیایی تعیین اختلاف در محتوای فضایی سطح زمین و تحلیل روابط فضایی در درون همان عالم است (جنسن، ۱۳۷٦، ص. ۱۸) و فضا در همه جای اندیشهٔ مدرن هست، جامه‌ای است بر تن نظریه (کرنگ و ثریفت، ۱۳۹٤، ص. ١٦). بر همین اساس، «مفاهیم فضایی عدالت اجتماعی برای تعدادی از سازمان‌های فعال و جنبش‌های اجتماعی شهری به صورت دغدغه‌ای مشترک درآمده است» (جودی گل لر، زمانیان، فتحی، ۱۳۹٤، ص. ۱۰۸). مسئلهٔ عدالت از پیشینه‌ای تاریخی و مناقشه‌برانگیز در تمام اندیشه و مذاهب از ادوار دور تا به کنون برخوردار است، اما از دههٔ هفتاد میلادی با آثار جان رالز[2] *عدالت به مثابهٔ انصاف*[3]، دیویدهاروی[4] *عدالت اجتماعی و شهر*[5]، هانری لُه فِور[6] *حق به شهر*[7] پای به عرصهٔ برنامه‌ریزی شهری می‌گذارد. «به سخن داداش‌پور مفهوم عدالت فضایی[8]، انتقادی از طرد، به حاشیه راندن، تسلط و سرکوب سیستماتیک است» (دادش‌پور، علیزاده، رستمی، ۱۳۹٤، ص. ۱). در واقع، نابرابری فضایی، تجلی مکانی نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. در این میان، دانشوران امور شهری رادیکال از جمله له فور، هاروی، مانوئل کاستلز[9] در نظریه‌های شهری خود به نقد قدرت، نابرابری، بی‌عدالتی و فرصت‌جویی در شهرها می‌پردازند. بر همین سیاق، اگر بنا باشد در جامعه‌ای متکثر عادلانه زندگی کنیم باید نابرابری فضایی سکونتگاه‌ها را به حداقل برسانیم. «بنابراین مهم‌ترین رسالت برنامه‌ریزان و مدیران شهری در این زمینه تلاش برای دستیابی به آرمان «فرصت‌های برابر» در دسترسی گروه‌های مختلف جامعهٔ شهری به خدمات شهری و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت‌های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و مانند آن است» (حاتمی نژاد، فرهودی، محمدپور،۱۳۸۷، ص. ۷۲). «با وجود پیشرفت‌های صورت گرفته تا سال ۲۰۱٤، تعداد افرادی که در سکونتگاه‌های غیررسمی

1. Habitat
2. Rawls
3. Justice As Fairness
4. David W. Harvey
5. Social Justice & The City
6. Henri Lefebvre
7. Le droit à la ville
8. Spatial justice
9. Manuel Castells

زندگی می‌کنند از ۷۵۰ میلیون در سال ۱۹۹٦ به یک میلیارد در جهان رسیده و پیش‌بینی می-شود تا سال ۲۰۵۰ سه برابر شود» (هبیتت، ، ۲۰۱٦، ص. ۵۹). درحالی‌که مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه، حاکی از گستردگی روزافزون این پدیده است. «به‌طوری که صدها میلیون نفر از مردم جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در سکونتگاه‌های غیررسمی در شرایط بد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی زندگی می‌کنند» (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸، ص. ۲۱). پدیدهٔ سکونتگاه غیررسمی و مسکن کم‌درآمدها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جامعهٔ شهری ایران به‌خصوص شهرهای بزرگ، ازجمله تهران رخ‌نمایی می‌کند. اهم این موضوعات که شرح آن رفت، با نگاهی به سرنوشت این اسناد و طرح‌های شهری و منطقه‌ای از چند دهه پیش که حاکی از ناتوانی این طرح‌ها و برنامه‌ها است، منجر به گسترش اسکان غیررسمی، عدم تعادل فضایی در کانون‌های جمعیتی، گسست فضایی، ناپایداری شهری و تحمیل هزینه‌های مضاعف به دولت و ملت در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی شده است که اهمیت و ضرورت پرداختن به مسئلهٔ اسکان غیررسمی و تعادل فضایی در شهر را بیش از پیش آشکار می‌سازد. هرچند کلان‌شهر تهران مرکز بهترین و متنوع‌ترین خدمات برای شهروندانش است، لکن محیطی مناسب جهت شکل-گیری انواع آسیب‌ها و مسائل شهری نیز می‌باشد. در حال حاضر نیز یکی از مهم‌ترین مسائل آن که نیازمند توجه فراوان است، پیدایش و رشد گستردهٔ پدیده اسکان غیررسمی است که معلول عوامل گوناگون مانند مهاجرت‌های مداوم داخلی از روستاها و شهرهای کوچک به پایتخت، تحریم‌ها، جنگ و ... می‌باشد.

بررسی آمار و اطلاعات مربوط به رشد محدودهٔ اسلام‌آباد و فرحزاد از آغاز شکل‌گیری، تمام ویژگی‌های مربوط به چگونگی تولید یک سکونتگاه غیررسمی را نمایان می‌کند، ولی در عمل چندان توجهی به این مسئله نشده است به‌طوری که امروزه نه تنها ساکنان اسلام‌آباد بلکه سایر محلات اطراف آن نظیر سعادت‌آباد و شهرک مسکونی آتی‌ساز و ... نیز با مشکلات ناشی از وجود چنین سکونتگاه‌هایی روبه‌رو هستند. مشکلاتی که شاید بر اثر عدم توجه و رسیدگی برخی مسئولان چه در مرحلهٔ تشکیل شدن این سکونتگاه و چه در روند رشد آن به وجود آمده است. وجود معضلات و مشکلات عدیدهٔ اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، ایمنی، امنیتی و

به‌خصوص نابرابری‌های فضایی، بازتولید فقر و فقدان عدالت فضایی و اجتماعی، به‌طوری که هر لحظه می‌تواند منجر به بروز بحران در شهر شود، ضرورت و اهمیت این مهم را برای برنامه‌ریزان شهری و جامعهٔ علمی و نهاد برنامه‌ریزی کشور مشخص می‌کند. این تحقیق نیز با تأکید بر عدالت فضایی به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت عدالت فضایی در سطح محلات منطقهٔ دو شهر تهران و بالاخص سکونتگاه‌های غیررسمی آن چگونه است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

به‌طور کلی مطالعات علمی اندکی برروی عدالت‌فضایی و بررسی آن در سکونتگاه‌های غیررسمی صورت گرفته است و مطالعات صورت‌گرفته نیز بیشتر بر یک نوع واحد از تسهیلات متمرکز شده‌اند. در جدول زیر مطالعات صورت‌گرفته در زمینهٔ عدالت فضایی و اسکان غیررسمی از منابع خارجی و داخلی اشاره شده است.

جدول ۱- پیشینهٔ تحقیق

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶

ابعاد	نام محقق یا مؤسسهٔ تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
عدالت فضایی	Mitchell	2003	The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space	کتاب دن میچل تحت عنوان *حق مشخص به شهر مشخص: عدالت اجتماعی و مبارزه برای فضای عمومی*، به طرح پرسش‌های در خصوص ماهیت فضای عمومی و چگونگی استفاده از آن و همچنین پرداخته و با ترکیب تجزیه‌وتحلیل تاریخی و جغرافیایی در این کتاب به بررسی رابطهٔ حیاتی بین مبارزات بر سر فضا یعمومی و جنبش‌های عدالت اجتماعی در ایالات‌متحده می‌پردازد. میچل با تحلیل‌های خود به این نتیجه می‌رسد که حق مشخص به شهر مشخص برای گروه‌های بی‌خانمان و به حاشیه رانده شده به اهمیت ضرورت حق حیات است.
	Soja	2012	The City and Spatial Justice	این مقاله تحت عنوان «شهر و عدالت فضایی»، به بررسی مفهوم عدالت و نسبت آن با شهر می‌پردازد و تلاش دارد

ابعاد	نام محقق یا مؤسسهٔ تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
				به چند سؤال اساسی در این خصوص جواب دهد. از جمله : منظور از عدالت فضایی در شهر چیست؟ چرا عدالت فضایی و چرا اکنون؟
	Setiano & Gamal	2021	Spatial justice in the distribution of public services	این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه مفهوم عدالت فضایی منتج از مفهوم عدالت اجتماعی است. این مطالعه همچنین رابطهٔ بین ساختار اجتماعی- فضایی در توزیع ناعادلانهٔ خدمات عمومی مانند شرایط زندگی اولیهٔ مناسب، فضاهای عمومی و زیرساخت‌ها را مورد بحث قرار داده است.
	عمران زاده، بهزاد	۱۳۹٤	تبیین عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام (مطالعهٔ موردی: کلان‌شهر تهران)	رساله ضمن پرداخت عام به موضوع شهر اسلامی و تصویرسازی نسبتاً روشن نسبت به چیستی چنین شهری، به تدوین مبانی نظری شهر اسلامی در زمینهٔ عدالت فضایی و استخراج اصول و معیارهای آن پرداخته است که نتایج به دست آمده حاکی از توان عظیم منابع اسلامی در زمینهٔ نظریه‌پردازی علمی در حوزه‌های موضوعی متکی به مبانی معرفت‌شناختی می‌باشد. از نتایج قابل توجه رساله، دستیابی به مدل نظریه‌ای کلان با عناوین«مدل بنیادین عدالت اجتماعی_ فضایی» و « مدل استراتژیک پیاده‌سازی عدالت اجتماعی و فضایی» و همچنین ارائهٔ مدل کمی «شاخص عدالت فضایی(SJ) در زمینهٔ سنجش میزان عدالت فضای در سطوح شهری و منطقه‌ای می‌باشد.
	رفیعیان و همکاران	۱۳۹۸	تحلیل گفتمان عدالت فضایی در سند سیسات‌گذاری مدیریت شهری تهران	یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری تهران به معیارهای نفی حاشیه‌ای شدن، همه شمولی، برابری فرصت‌ها و مشارکت توجه بیشتری نشان داده است. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در این سند، برخی زمینه‌ها و ابعاد عدالت فضایی مورد توجه قرار گرفته است و می-توان آن را وجود نسبی عدالت حالت فضایی در مدیریت شهری تعبیر کرد.

ابعاد	نام محقق یا مؤسسهٔ تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
	عقیلی و همکاران	۱۴۰۰	تحلیل شاخص‌های عدالت فضایی در ساختمان‌های بلندمرتبه گرگان	نتایج مطالعهٔ آن‌ها نشان داد که بین مؤلفه‌های عدالت فضایی و رضایتمندی شهروندان ساکن در ساختمان‌های بلندمرتبه رابطهٔ معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج آن‌ها نشان داد که دسترسی نامناسب ساکنان ساختمان‌های بلندمرتبه و کاهش کیفیت خدمات، سطح رضایتمندی آن‌ها را کاهش داده است.
اسکان غیررسمی	Owen & Wong	۲۰۱۳	An approach to differentiate informal settlements using spectral, texture, geomorphology and road accessibility metrics	در مقاله «رویکرد متفاوت به سکونتگاه‌ها غیررسمی با استفاده طیف، بافت، ژئومورفولوژی، راه و معیارهای دسترسی» با تجزیه‌وتحلیل شکل (فرم)، ژئومورفولوژی زمین، بافت، شبکه‌های جاده با بررسی‌های میدانی و استفاده از عکس‌های هوایی با استفاده از بیست و چهار متغیر محیطی پرداخته که در نهایت با تجزیه و تجلیل مغیرها هفت متغیر اصلی در تشخیص و گونه‌شناسی سکونتگاه غیررسمی در شناسایی اسکان غیررسمی گواتمالا در کشورهای آمریکای لاتین و دیگر کشورهای کمتر توسعه‌یافته دست پیدا می‌کند.
	Ezebilo & Savadogo	۲۰۲۱	Preferences for Infrastructure and Determinants of Decision to Live in a Makeshift House in Informal Settlements	نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که همهٔ ساکنان منطقهٔ مورد بررسی از پروژهٔ توانمندسازی حمایت کرده و هزینه‌های خدمات مرتبط با زیرساخت‌ها و خدمات ارائه-شده توسط پروژه را می‌پردازند. همچنین نتایج آن‌ها نشان داد که تصمیم برای زندگی در یک خانهٔ موقت تحت تأثیر عواملی مانند مالکیت خانه و زمین، فراوانی جرم در منطقه، اندازهٔ خانوار، شغل، دسترسی به توالت و تعداد سال‌های زندگی در سکونتگاه غیررسمی بوده و محدود کردن ظهور سکونتگاه‌های غیررسمی جدید نیازمند ایجاد یک مکانیسم مؤثر می‌باشد
	Aljafreh et al.	۲۰۲۱	The social role of open spaces in informal settlements in Jordan	نتایج آن‌ها نشان داد که مالکیت زمین بر فضاهای باز، جنسیت و سن تأثیر بسزایی بر روابط و تعامل اجتماعی افراد دارد. همچنین نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که علیرغم اینکه مورفولوژی غیررسمی مناطق مورد مطالعه تصادفی،

ابعاد	نام محقق یا مؤسسهٔ تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
				برنامه‌ریزی نشده و آشفته است، اغلب یک منطق اساسی برای برآوردن نیازهای ساکنان وجود دارد.
	زالی و همکاران	۱۳۹٤	ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعهٔ موردی محلهٔ مهدی آباد(کتسِ بس)	با تأکید بر مفاهیم و اصول توانمندسازی به بررسی میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شیراز ، رأی به عدم موفقیت آن می‌دهد. نتیجهٔ پژوهش حاکی از آن است که طرح توانمندسازی محله در مسیر دست‌یابی به اهداف خود تا به حال موفق نبوده و مهم‌ترین علل آن وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح است که ناقض مهم‌ترین اصول توانمندسازی یعنی مشارکت محوری و نهادسازی و آگاه‌سازی است.
	نجفیکانی و همکاران	۱۳۹۹	تحلیلی بر تنگناها و راهبردهای توسعهٔ کالبدی و فیزیکی سکونتگاه‌های غیررسمی(محله‌های حاشیه‌ای و پیرامونی بابل)	این پژوهش ضمن بررسی چالش‌های توسعه در منطقهٔ مورد مطالعه، راهبردهای کلیدی را در راستای مساکن غیررسمی ارائه نموده است. نتایج پژوهش انها نشان داد که عدم توسعهٔ نواحی پیرامون شهر بابل ناشی از پایین بودن درآمد حاشیه‌نشینان، وجود بافت‌های آشفته که به تدریج شکل گرفته و یا روستاهای الحاقی به شهر و هزینه بودن عمران و آبادانی مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد.
	ایمان‌پور	۱٤۰۰	تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرق ایران (مورد مطالعه: شهر بجنورد)	نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که از مجموع ۲٦ عامل مورد بررسی، شش عامل رشد جمعیت، تداوم مهاجرت به شهرها، دسترسی به مراکز مهم، وجود مزیت‌های محله برای مهاجرین کم‌درآمد از قبیل ارزان بودن زمین، وجود جادهٔ اصلی، بیکاری و ضعف مدیریت شهری به‌عنوان پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار بر اسکان غیررسمی شهر بجنورد شناسایی شدند

۳. روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، رویکرد حاکم بر فضای تحقیق توصیفی- تحلیلی است. علاوه بر این با توجه به اینکه از روش‌های کتابخانه‌ای نیز در این تحقیق استفاده می‌شود، می‌توان آن را جزء تحقیقات اسنادی نیز محسوب داشت. جامعهٔ آماری تحقیق، محلات منطقهٔ دو شهر تهران است. بدین منظور، در این پژوهش ابتدا داده‌های مورد نیاز از طریق مراکز، سازمان‌های مربوطه و همچنین مشاهدات و مطالعات میدانی جمع‌آوری گردیده است. در بخش تحلیلی پژوهش، ابتدا با توجه به ذکر ابعاد و شاخص‌های مربوط به هر بعد و همچنین روش‌های استخراج شاخص‌ها و مدل‌های مورداستفاده، نتایج وزن‌دهی، رتبه‌بندی در منطقهٔ مورد مطالعه و محدوده‌های هدف و همچنین تحلیل نتایج رتبه‌بندی با استفاده از آمار فضایی ارائه خواهد شد. برای وزن‌دهی به شاخص‌ها از روش تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است، در ادامه با در نظر گرفتن شاخص‌های متعدد در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و رفاهی/کالبدی به صورت یکپارچه به رتبه‌بندی محلات به لحاظ شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی - رفاهی پرداخته شده است. بدینگونه که متناسب با اهداف مقاله، ابتدا ابعاد مورد بررسی و شاخص‌های مؤثر بر نابرابری فضایی مشخص می‌گردد، در ادامه برای ابعاد مختلف، معیارها، زیر معیارها و شاخص‌های قابل سنجش اقتباس می‌شود.

جدول ۲- شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

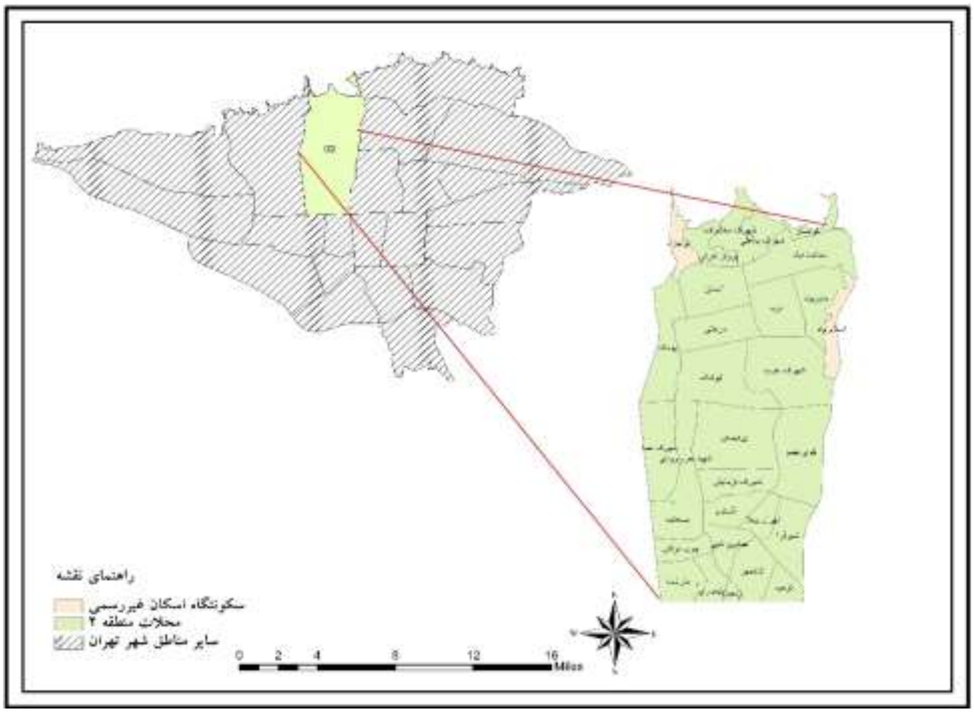
مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹٦

اجتماعی	اقتصادی	کالبدی
بعد خانوار و تراکم جمعیت در محلات	اشتغال و بیکاری	درصد واحدهای مسکونی برخوردار از کلیهٔ امکانات آب لوله‌کشی، برق، گاز، تلفن و ... .
سهم شاغلان برحسب گروه‌های اصلی شغلی	زیربنای واحد مسکونی	درصد خانوارهای برخوردار از رایانه
میزان سواد	مالکیت / اجاره‌نشینی	درصد خانوارهای برخوردار از تلفن ثابت در محله
سهم جمعیت باسواد هر محله از میزان تحصیلات عالی	کیفیت مسکن	درصد مالکیت خودرو در محلات

اجتماعی	اقتصادی	کالبدی
میزان مهاجرپذیری	جمعیت فعال	میزان دسترسی محله به خدمات آموزشی
درصد جمعیت بومی در هر محله	مشارکت اقتصادی مردان	میزان دسترسی محله به خدمات بهداشتی
تعداد اتاق در اختیار خانوار	مشارکت اقتصادی زنان	میزان دسترسی محله به فضاهای ورزشی
درصد خانوارهای دارای معلول	--------	میزان دسترسی محله به فضاهای فرهنگی
		میزان دسترسی محله به حمل‌ونقل عمومی
		میزان دسترسی محله به فضاهای سبز

۳. ۱. منطقهٔ مورد مطالعه

منطقهٔ مورد مطالعهٔ این پژوهش، محلات مناطق دو شهر تهران می‌باشد. در این پژوهش، نابرابری فضایی شهری در سطح بلوک‌های آماری در محلات این منطقهٔ شهر تهران مورد ارزیابی قرار گرفته است. دلیل انتخاب این منطقه، تفاوت‌های محیطی و اقتصادی اجتماعی موجود در محلات و همچنین مجاورت و گسترش این مناطق در بخش‌های شمالی و مرکزی و همچنین اختلاف‌های اجتماعی-اقتصادی محسوس در برخی محلات آن می‌باشد. منطقهٔ دو شهر تهران از شمال به محدودهٔ قانونی شهر (تراز ۱۸۰۰ متر)، از جنوب به خیابان آزادی، از شرق به بزرگراه چمران و مسیل درکه و از به بزرگراه محمدعلی جناح، بلوار اشرفی اصفهانی و مسیل فرحزاد محدود می‌گردد. براساس آمار شهرداری منطقهٔ دو در سال ۱۳۹۵، جمعیت منطقهٔ دو بالغ بر ٦٤٠٣٤١ نفر می‌باشد. (گزارش نهائی طرح جامع تهران، ۱۳۸۵، ص. ٤۲). بر اساس آخرین تقسیمات (۱۳۹۵)، این منطقه دارای ۹ ناحیه و ۲۱ محله می‌باشد. در این میان از مجموع محلات مورد پژوهش، دو محلهٔ اسلام‌آباد و فرحزاد محلات کم‌برخوردار و آسیب‌پذیر منطقه محسوب می‌شوند و تحت برچسب اسکان غیررسمی در نظام برنامه‌ریزی شهری شهر تهران شناخته می‌شوند. لاجرم با توجه به گستردگی محلات و نواحی منطقه به معرفی این دو محله، یعنی فرحزاد و اسلام‌آباد که هدف تحقیق محسوب می‌شوند، اکتفا کرده است.



شکل ۱- موقعیت محدودهٔ مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

٤. مبانی نظری

٤. ۱. اسکان غیررسمی و عدالت فضایی

عدالت اجتماعی مفهومی مدرن است که به تحقق فرصت‌ها و زندگی و شانس برابر اشاره می‌کند. در حقوق بشر از عدالت اجتماعی به‌عنوان رقابت یاد می‌کنند (احدنژاد و نجفی، ۱۳۹۵، ص. ۳٦). پانتام،[1] عدالت اجتماعی را برابری تعهدات و مسئولیت‌های مدنی در میان جامعه و برابری گستردگی مشکلات در میان گروه‌های مختلف جامعه تعریف می‌کند (داداش-پور و رستمی، ۱۳۹۰، ص. ٦). در جهت رسیدن تمامی ساکنان شهرها به نیازهایشان به صورت یکسان، مبحث عدالت اجتماعی در فضای شهری به وجود می‌آید که بی‌توجهی به آن تبعات بسیار ناگواری، همچون حاشیه‌نشینی و تراکم بیش از حد یک منطقه، توسعهٔ یک‌جانبهٔ

1. Pantam

شهرها، خالی‌شدن برخی از محدوده‌های شهری، بورس بازی زمین و ده‌ها مسئله و مشکل دیگر را در پی خواهد داشت (خوش‌روی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲). یکی از مهم‌ترین وجوهی که هر برنامهٔ توسعهٔ شهری باید به آن بپردازد مقوله عدالت است؛ زیرا نظریه‌های برنامه‌ریزی اساساً مشروعیت فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری را به موضوع ارتقای عدالت معطوف کرده‌اند، مثلاً فینشتاین در مطالعهٔ «نظریه‌های برنامه‌ریزی و شهر» برنامه‌ریزی را خلق آگاهانهٔ شهر عادلانه می‌داند (فاینشتاین[1]، ۲۰۰۵، ص ۱۲۱). عدالت در شهر باید به دنبال تخصیص مناسب و متناسب امکانات و خدمات، استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل، از بین بردن شکاف بین فقیر و غنی و جلوگیری از به‌وجودآمدن زاغه‌های فقر در شهر باشد؛ در نتیجه هر گونه برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آن‌ها مؤثر باشد (هاروی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۰). در این راستا، کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مفیدند که با پاسخ‌گویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و با توجه به استحقاق و شایستگی افراد، می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند؛ بنابراین بر هم خوردن توازن جمعیتی که مهم‌ترین ریشه‌های آن، مهاجرت‌های درون شهری و برون شهری و تراکم بیش از حد کاربری‌ها در مناطق خاص هستند، می‌توانند فضاهای شهری را فضاهایی متناقض با عدالت از ابعاد اقتصادی و اجتماعی نمایند (یغفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۵، ص. ۱۲).

یکی از مهم‌ترین عواملی که باید در جهت اجرای عدالت اجتماعی–فضایی در برنامه‌ریزی برای شهرها رعایت کرد، توزیع مناسب خدمات شهری و استفادهٔ صحیح از فضاهاست. در این خصوص، کاربری‌ها و خدمات شهری از عواملی هستند که با ارضای نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، عدالت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی را در بن مناطق شهری برقرار نمایند (مبارکی، ۱۳۹٤، ص. ۱۱۱). در مقابل، عدم توزیع مناسب خدمات عمومی و عدم تحقق اهداف طرح‌های شهری که از عوامل تأثیرگذار در نابرابری نواحی شهری هستند، نه تنها می‌توانند در برهم زدن تعادل و توازن جمعیتی در شهرها بینجامد، بلکه دسترسی به امکانات و خدمات را نیز با

1. Fainstin

مشکل مواجه ساخته و ناپایداری‌هایی را در سطح شهر شکل می‌دهند (وارثی، زنگی‌آبادی، یغفوری، ۱۳۸۷، ص. ۱٤٥).

تاکنون ارزیابی‌های متعددی از سوی دیدگاه‌های مختلف در مورد عدالت صورت گرفته است. باری و ماتراورز تئوری‌های عدالت را به چهار دسته تقسیم می‌کنند:

الف-دیدگاه سنت‌گرا: دیدگاهی است که در آن عدالت با بررسی آداب‌ورسوم، نهادها، سنت‌ها و سیستم‌های قانونی مشخص می‌شود. در چنین مفهومی ممکن است برخی امور ناعادلانه تنها به این سبب که توسط جامعه پذیرفته شده و سنت آن را تأیید می‌کند پذیرفته شوند.

ب-دیدگاه غایت‌گرایانه: در تئوری‌های غایت‌گرایانه، عادلانه بودن مناسبات اجتماعی با ارجاع به برخی امور مطلوب سنجیده می‌شود. دیدگاه سودمندگرایی، تئوری حقوق طبیعی یا فلسفهٔ آکوتیناس از جمله تئوری‌های غایت گرایانه هستند. در این تئوری‌ها امور عادلانه به دنبال توجیه یک امر مطلوب ایجاد می‌شوند؛ بنابراین توجیه عدالت به مسائل غیراجتماعی بستگی دارد. انتقاد اساسی نسبت به این دیدگاه این است که آن‌ها یک منبع خارجی مثل منفعت، حق طبیعی یا اقتدار را به‌عنوان هستهٔ اصلی خود انتخاب کرده‌اند و توجیه عدالت در آن‌ها به تصور ایجاد یک خیر نهایی بستگی دارد. منتقدان معتقدند جوامع کثرت‌گرا، نتیجه گرفته‌اند که عدالت از تصور خیری که مورد پذیرش همگان نیست کار سختی است.

ج-عدالت به‌عنوان منافع متقابل: نوع سوم و چهارم تئوری عدالت در پذیرش این ایدهٔ لیبرالیسم سهیم هستند که تصورات موجود از زندگی خوب در یک جامعهٔ عادلانه متنوع است. این مکاتب پس از انتشار کتاب جان رالز در سال ۱۹۷۱ با نام *تئوری عدالت*، احیا شدند. رالز به سنت قرارداد اجتماعی بازگشت که در آن عدالت نتیجهٔ منافع متقابل است. بر این اساس، زمانی که فرد منافع خود را پیگیری کند، در نهایت به سود همهٔ جامعه است.

د-عدالت برابری طلب: براساس عدالت برابری طلب، باید با مردم به‌طور برابر برخورد کرد. تئوری عدالت رالز می‌تواند به‌عنوان یک تئوری برابری طلب مطرح باشد، اما دارای نتایج متفاوتی با تئوری رابرت نوزیک است. اگرچه هر چهار مکتب عدالت اجتماعی هنوز هم طرفدارانی دارند، اما تنها تئوری‌های لیبرال برابری لب با رهیافت عدالت رابطهٔ مستقیمی

دارند. البته در میان این تئوری‌ها نیز تفاوت‌هایی وجود دارد و تنها ویژگی مشترک آن‌ها تمرکز قابل توجه (و نه ضرورتاً مطلق) آن‌ها بر خواست افراد بـرای تعیـین طـرح زندگی‌شـان اسـت (صالحی امیری، ۱۳۸۷، ص. ۲۷ نقل از تابعی، ۱۳۹۲، ص. ۵۰).

۵. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نـابرابری فضـایی شـاخص‌ها در سـه بعـد اجتماعی، اقتصادی و کالبـدی/رفاهی مطالعـه شـد کـه عوامـل و معیارهـای دخیـل در مسـئلهٔ پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مرور منابع و مصاحبه با خبرگان شناسایی و جمع‌آوری گردید.

جدول ۳- شاخص‌ها و زیر شاخص‌های ابعاد اجتماعی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

	مؤلفه	شاخص	کد	زیر شاخص
اجتماعی (S)	ترکیب اجتماعی (S1)	بعد خانوار و تراکم جمعیت در محلات	C1	میانگین بعد خانوار در محلات
			C2	تراکم جمعیت در محلات
		سهم شاغلان برحسب گروه‌های اصلی شغلی	C3	درصد شاغلان مشاغل عالی رتبه/ متخصص/ تکنسین به کل شاغلین
			C4	درصد کارگران نسبت به کل شاغلان
	سواد (S2)	میزان سواد	C5	نرخ بی‌سوادی زنان
			C6	نرخ بی‌سوادی مردان
			C7	درصد بی‌سوادان کل
		سهم جمعیت باسواد هر محله از میزان تحصیلات عالی	C8	سهم تحصیلات عالی به کل تحصیلات در محله
	ثبات اجتماعی (S3)	میزان مهاجرپذیری	C9	جمعیت مهاجران در هر ۱۰۰۰ نفر
		درصد جمعیت بومی در هر محله	C10	درصد افرادی که محل تولد آن‌ها همین شهر است.
	مسکن (S4)	تعداد اتاق در اختیار خانوار	C11	درصد خانوارهایی که یک اتاق در اختیار دارند.
	سلامت(S5)	درصد خانوارهای دارای معلول	C12	درصد خانوارهای دارای معلول

جدول ٤- شاخص‌ها و زیر شاخص‌های ابعاد اقتصادی

مأخذ: نگارندگان، ١٣٩٦

دستۀ اصلی	دستۀ فرعی	شاخص	کد	زیر شاخص
اقتصادی(E)	شغل	اشتغال و بیکاری	C13	نرخ اشتغال کل
			C14	نرخ اشتغال زنان
			C15	نرخ اشتغال مردان
	رفاه (E2)		C16	نرخ بیکاری
		زیربنای واحد مسکونی	C17	درصد واحدهای مسکونی با زیربنای ۵۰ مترمربع و کمتر
			C18	درصد واحدهای مسکونی با زیربنای بیش از ۲۰۰ مترمربع
	وابستگی اقتصادی(E3)	مالکیت/ اجاره‌نشینی	C19	درصد مالکیت واحد مسکونی به کل واحدهای مسکونی
			C20	اجاره‌نشینی
		کیفیت مسکن	C21	درصد مسکن بادوام
		جمعیت فعال	C22	جمعیت فعال
			C23	درصد جمعیت فعال مرد
			C24	درصد جمعیت فعال زن
		مشارکت اقتصادی مردان	C25	جمعیت مردان فعال بالفعل/ جمعیت مردان ۱۰ سال به بالا × ۱۰۰
		مشارکت اقتصادی زنان	C26	جمعیت زنان فعال بالفعل/ جمعیت زنان ۱۰ سال به بالا × ۱۰۰

جدول ۵- شاخص‌های ابعاد کالبدی/ رفاهی

مأخذ: نگارندگان، ١٣٩٦

دستۀ اصلی	دستۀ فرعی	شاخص	کد
کالبدی / رفاهی(F)	زیرساخت-ها	درصد واحدهای مسکونی برخوردار از کلیۀ امکانات آب لوله‌کشی، برق، گاز، تلفن و	C27
		درصد خانوارهای برخوردار از رایانه	C28
		درصد خانوارهای برخوردار از تلفن ثابت در محله	C29
		درصد مالکیت خودرو در محلات	C30

دستهٔ اصلی	دستهٔ فرعی	شاخص	کد
	دسترسی به خدمات شهری	میزان دسترسی محله به خدمات آموزشی	C31
		میزان دسترسی محله به خدمات بهداشتی	C32
		میزان دسترسی محله به فضاهای ورزشی	C33
		میزان دسترسی محله به فضاهای فرهنگی	C34
		میزان دسترسی محله به حمل‌ونقل عمومی	C35
		میزان دسترسی محله به فضاهای سبز	C36

برای وزن‌دهی به شاخص‌ها، از روش تحلیل عاملی و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. برای تعیین ماهیت و ساختار داده‌ها از ضریب KMO[1] استفاده شد که میزان KMO بالاتر از ۰٫۸ می‌باشد.

جدول ٦- نتایج آزمون KMO

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.813
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	9181.965
	df	595
	Sig.	.000

جدول ۷- آمار توصیفی داده‌ها

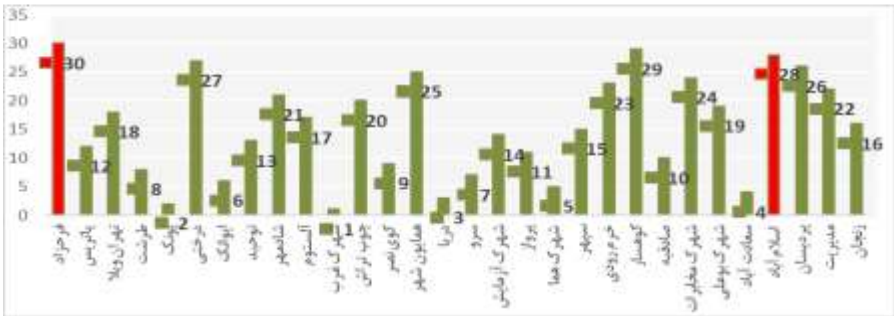
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

کد متغیر	میانگین	انحراف معیار	کد متغیر	میانگین	انحراف معیار
C1	3.156366	.2388453	C19	43.145169	10.2359348
C2	150.805277	52.0520065	C20	42.472907	18.4903339
C3	22.559744	10.9249759	C21	84.805081	18.2201430
C4	4.683381	4.7340041	C22	6385.00	3794.184
C5	3.806165	2.1940197	C23	4363.87	2765.886
C6	2.787272	2.7157946	C24	1639.958750	1.2948697E3
C7	4.043418	3.6469511	C25	47.405267	12.5478497
C8	3.199704	1.2267261	C26	33.067377	30.0455001
C9	664.407834	543.3191823	C27	95.775529	9.1432895
C10	67.845764	14.5575545	C28	74.833890	12.5942224
C11	3.287879E5	1.8003915E6	C29	91.691941	9.5548602
C12	16.334917	30.2736338	C30	1403.686919	7.3509173E3
C13	80.395979	5.9451475	C31	10.43	8.724
C14	73.516360	17.0889116	C32	3.604867E4	4.1023871E4

1. Kaiser Meyer Olkin

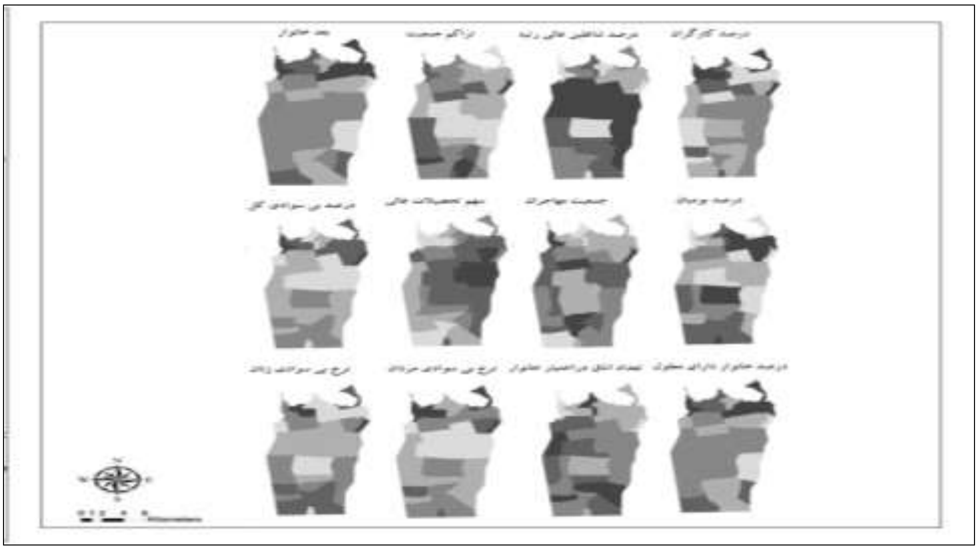
کد متغیر	میانگین	انحراف معیار	کد متغیر	میانگین	انحراف معیار
C15	73.998853	26.1323427	C33	2.00	2.150
C16	15.059805	5.8406805	C34	3.13	2.374
C17	7.871881	15.1969409	C35	15.43	15.078
C18	5117.141624	2.7976509E4	C36	18648.10	15636.893

سپس با استفاده از روش تاپسیس، رتبه‌بندی محلات بر اساس میزان نابرابری فضایی تعیین شد.



شکل ۲- نتایج رتبه‌بندی محلات منطقهٔ دو

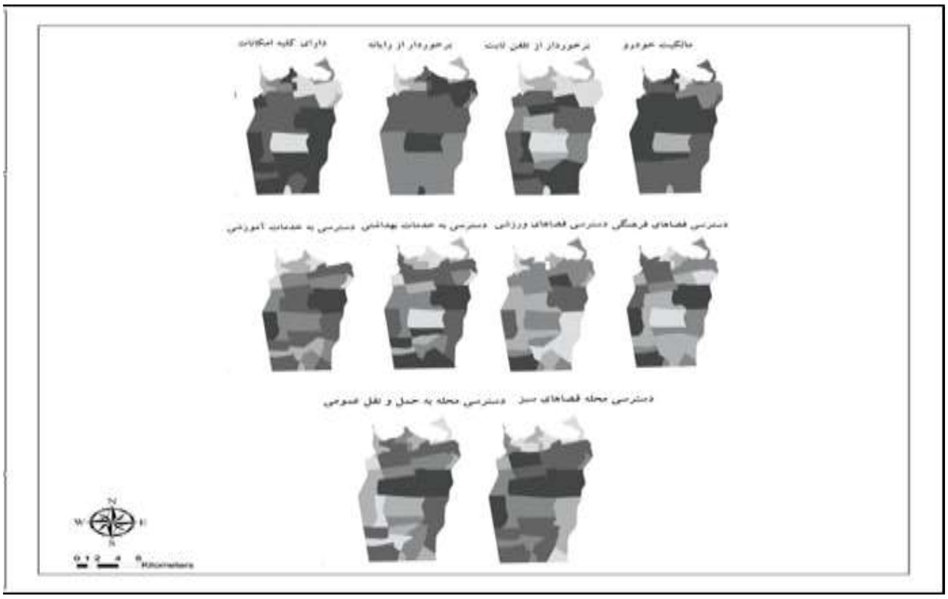
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦



شکل ۳- نتایج رتبه‌بندی محلات بر اساس شاخص‌های اجتماعی

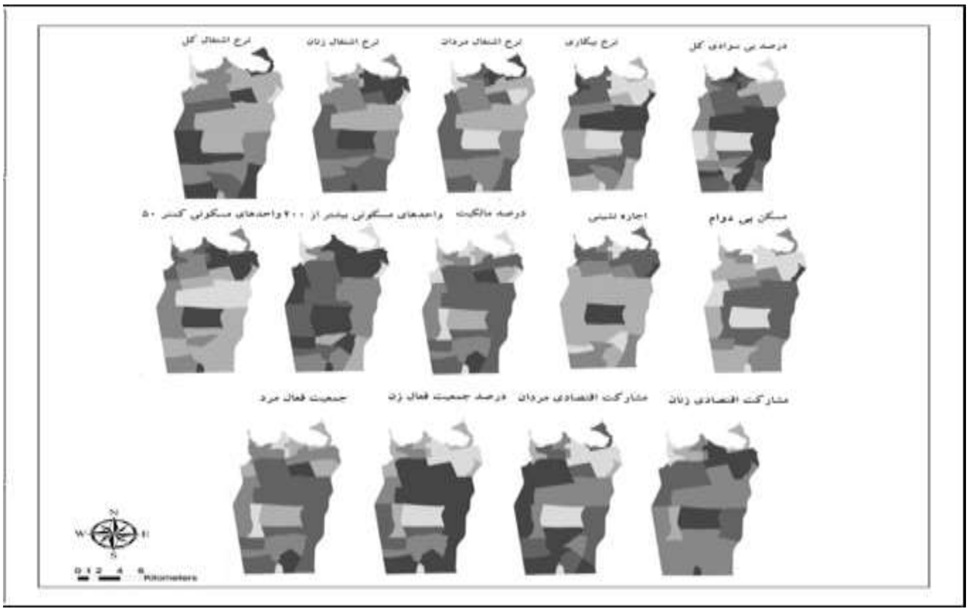
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

نتایج رتبه‌بندی برای محلات محدودهٔ مورد مطالعه نشان داد کـه محلـات اسـلام‌آباد (رتبـهٔ ۲۸) و فرحـزاد (رتبـهٔ ۳۰) نامناسـب‌ترین وضـعیت را در ایـن منطقـه از نظـر برخـورداری از شاخص‌های مورد نظر داشتند. این در حالی است که محلهٔ شهرک غرب و محلهٔ پونک بهترین رتبه‌ها را کسب کرده‌اند. همچنین وضعیت محلات مختلف در رابطه با شاخص‌های سه‌گانه به شکل نقشه‌های سه‌گانه ارائه شد. از دیگر سو، رابطهٔ تمامی شاخص‌ها باهم و همچنـین میـزان چولگی آن‌ها ارائه شد. اغلب هیستوگرام‌های شاخص‌ها در محلات منطقـهٔ دو، دارای چـولگی بودند و این نیز گویای آن است که بعضی محلات که تعداد آن‌ها کم است موجب این چولگی شده‌اند. بسیاری از شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و کالبدی دارای چولگی هستند که مفهـوم آن در ساده‌ترین حالت وجود نابرابری فضایی است.



شکل ٤- وضعیت محلات در رابطه با شاخص‌های خدماتی - رفاهی

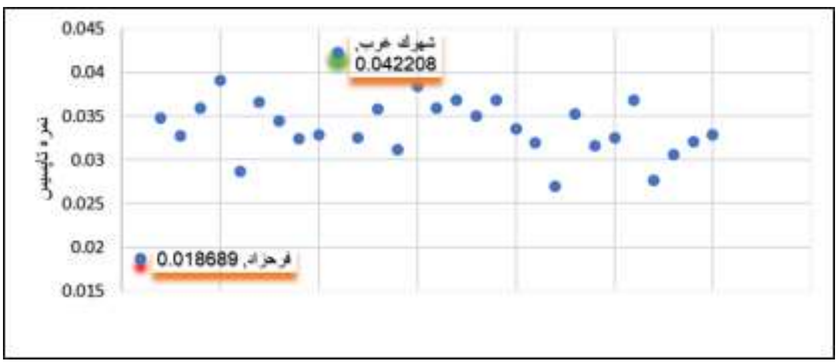
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦



شکل ۵- وضعیت محلات در رابطه با شاخص‌های اقتصادی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

در نهایت با تکیه بر نتایج به‌دست‌آمده در روش تاپسیس برای محلات مختلف، محلهٔ شهرک غرب (با اختلاف نسبتاً کم به سایر محلات) در جایگاه اول و محلهٔ فرحزاد با اختلاف زیاد (نسبت به سایر محلات) در جایگاه آخر قرار گرفت. در شکل زیر میزان اختلاف برحسب میزان امتیاز به دست آمده در روش تاپسیس نشان داده شده است.



شکل ٦ - جایگاه محلات با رتبهٔ بالا و پایین

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

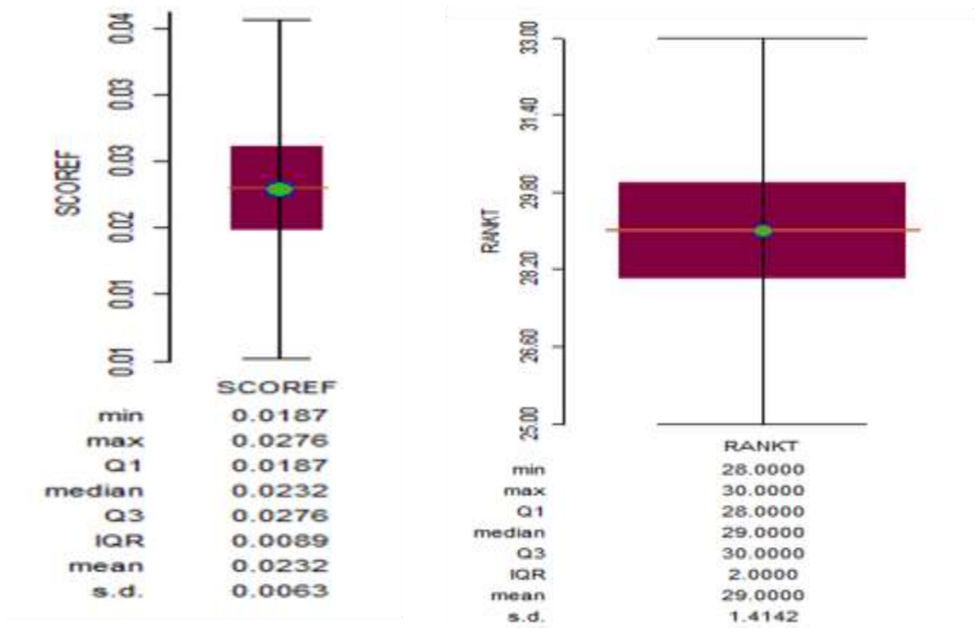
بعد از مشخص شدن رتبهٔ محلات با روش تاپسیس، محدوده‌های اسکان غیررسمی در قالب یک دادهٔ مکانی واحد ایجاد و میزان نابرابری فضایی این محلات به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۸- رتبه‌بندی محدوده‌های هدف و سایر محلات منطقه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

	تعداد محلات هدف	بهترین رتبه	بدترین رتبه	میانگین	انحراف معیار امتیازها
نابرابری فضایی	۲	۲۸	۳۰	۲۹	۱٫٤۱

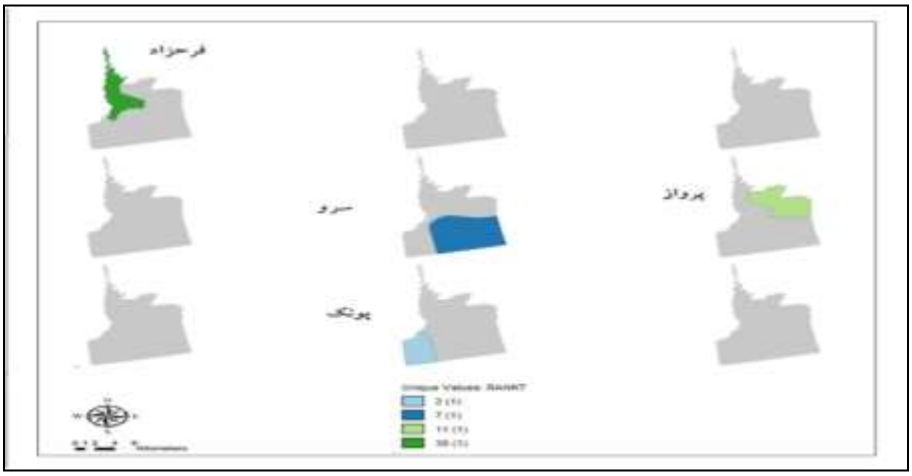
نتایج حاکی از آن است که وضعیت نابرابری فضایی محلات هدف، میانگین ۲۹ را نشان می‌دهد که نشان از وضعیت نابسامان در محلات هدف است. نمودار جعبه‌ای در شکل (۱٦) آماره‌های توصیفی مربوط به محلات هدف را به نمایش می‌گذارد.



شکل ۷- نمودار جعبه‌ای محدوده‌های هدف

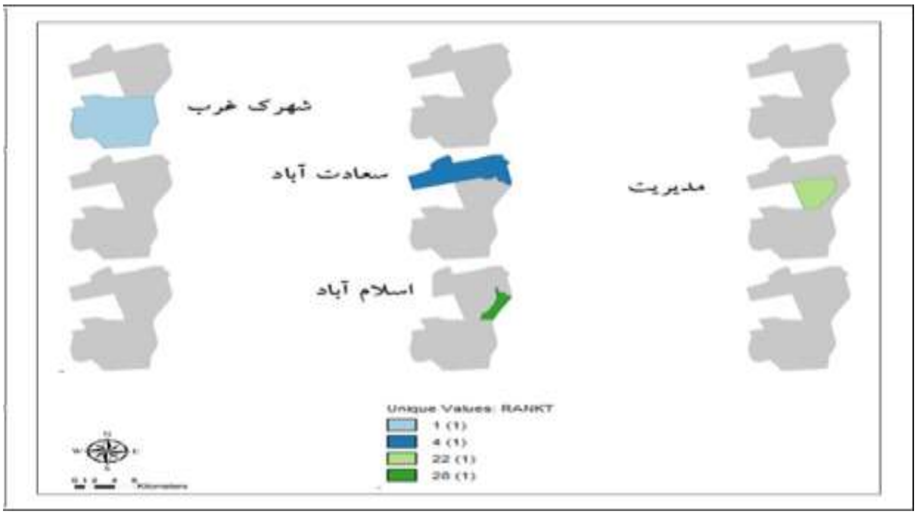
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹٦

همچنین، به شکل گرافیکی و با چندین نقشه وضعیت رتبه‌های همسایگان محلات هـدف نشان داده شد. در اطراف محلهٔ فرحزاد، سه محلهٔ سرو، پرواز و پونک به ترتیـب رتبـه‌های ۷، ۱۱ و ۲ را کسب کردند و در اطراف محلهٔ اسلام‌آباد، سه محلـهٔ شـهرک غـرب، سـعادت‌آباد و مدیریت به ترتیب رتبه‌های ۱، ٤ و ۲۲ را کسب کرده‌اند.



شکل ۸- مقایسهٔ تطبیقی رتبهٔ محلهٔ فرحزاد با همسایگانش

مأخذ: نگارندگان، ١٣٩٦



شکل ۹- مقایسهٔ تطبیقی رتبهٔ محلهٔ اسلام‌آباد با همسایگانش

مأخذ: نگارندگان، ١٣٩٦

٦. نتیجه‌گیری

منطقهٔ دو، در ساختار فضایی شهر تهران و به لحاظ امکانات و منابع، جزء مناطق نیمه‌برخوردار محسوب می‌شود، اما وجود چندین بافت روستایی همانند طرشت و وجود محلات کم‌برخوردار همچون کوهسار و در نهایت داشتن دو محلهٔ فقیر با بافت آسیب‌پذیر و سکونتگاه‌های غیررسمی این منطقه را از تعادل فضایی خارج کرده و شکاف عظیمی بین محلات آن مشاهده می‌شود که اگر چاره‌جویی نشود موجب ازهم‌گسیختگی بیشتر و زوال شهری می‌شود. در باب محله‌های هدف (فرحزاد و اسلام‌آباد) و مقایسهٔ آن با سایر محلات هم‌جوار در وادی امر چنین به‌نظر می‌رسد که اجتماعات ساکن در این سکونتگاه‌ها در حال تضییع حق شهرنشینی دیگر شهروندان با اقدام به ساخت بناهای غیررسمی می‌باشند، ولی آن‌ها، یعنی باشندگان این فضاهای فقیر در واقع جامعه و سیاست و اقتصاد سیاسی فضا را با این عمل به چالش می‌کشند و یک مبارزهٔ اجتماعی خاموش را به صورت غیرارادی و ناآگاهانه برای تولید فضا که حفظ بقای آن‌ها بدان وابسته است به راه می‌اندازند و تمام قوانین رسمی موجود را در مقابل حق ذاتی به مکان که نیاز اساسی آن‌هاست با اقدام اجتماعی خود در هم می‌شکنند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که محلات اسلام‌آباد (رتبهٔ ۲۸) و فرحزاد (رتبهٔ ۳۰) نامناسب‌ترین وضعیت را در این منطقه از نظر برخورداری از شاخص‌های مورد نظر دارند. همچنین، محلهٔ شهرک غرب و محلهٔ پونک بهترین رتبه‌ها را کسب کرده‌اند. همچنین، بافت میانی منطقه به همراه محلات فرحزاد، اسلام‌آباد و کوهسار جزء محلات کم‌برخوردار و محلات قدیمی و جنوبی این منطقه همچون طرشت، الستوم، شریف، پل نصر و همسایگانش جزء محلات نیمه‌برخوردار منطقه محسوب می‌شوند. در نهایت، پونک، سعادت‌آباد، دریا، شهرک غرب، شهرک هما و صادقیه جز محلات برخوردار منطقهٔ دو محسوب می‌شوند .معمولاً به لحاظ ماهیتی که خدمات شهری دارند، شهروندان به تنهایی نمی‌توانند از عهدهٔ تأمین آن برآیند؛ لذا تأمین آن برای افرادی که در شهر ساکن هستند نیازمند سازوکار و برنامه‌هایی است که باید از سوی مدیریت شهری سازماندهی شود. در منطقهٔ دو با دو نوع تولید فضا مواجه هستیم که در ابتدا می‌توان بر آن‌ها نام تولید آگاهانهٔ فضا و تولید غیرآگاهانه و خودجوش نهاد. فضایی که از منابع، امکانات، ثروت و قدرت بیرون آید؛ یعنی تولید فضایی

برآمده از رفاه، فضایی فن‌سالارانه و به‌گونه‌ای تحت تأثیر لوگوس دکارتی و مدرنیته یک نوع فضای سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده و فن‌سالارانه است، همانند محلهٔ دریا، شهرک غرب و پونک که در ابتدای امر همان‌طور که از قطعه‌بندی این محله‌ها در قبل از انقلاب مشخص است، برای طبقهٔ مرفه پیش‌بینی شده‌اند، اما در جبههٔ مخالف، عدم امکانات، کمبود منابع، جبری ساختاری که اقتصاد ناپایدار و نامولد و محیط بر او غالب کرده است فضایی برآمده از فقر ساخته است و در واقع، در یک چرخهٔ غیرمنظم وابسته به نوسان اقتصادی و سایر عوامل ساختاری در پهنه‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی، بازتولید فضایی فقر است که با توجه به مطالعهٔ صورت‌گرفته در سطح منطقه در نابرابری فضایی، گسستگی فضایی محلات منطقهٔ دو خودنمایی می‌کند.

کتاب‌نامه

۱. احدنژاد، م. نجفی، س. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تفاوت‌های کیفیت زندگی در محلات برنامه‌ریزی‌شده و سکونتگاه‌های غیررسمی شهری (نمونهٔ موردی: محلات کارمندان و اسلام‌آباد شهر زنجان). *نشریهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۰ (۵۷)، ٤۷–۲۳.

۲. اطهاری، ک. (۱۳۸۱). *عدالت در فضا*، *نشریهٔ شهرسازی و معماری هفت شهر*، ۳ (۹ و ۱۰)، ۳۲–۲۵.

۳. اطهاری، ک.، یزدانی، ف. (۱۳۸۷). بورژوازی مستغلات؛ کژ کارکردی جامعه، کژتابی شهر. *دوماه‌نامهٔ چشم‌انداز ایران*، ٤۸، ۵۰–٤۳.

٤. اطهاری، ک. (۱۳۹۵). گفت‌وگو با اقتصاد آنلاین. کد خبر۱۵۵۱۱۲، تاریخ خبر۱۳۹۵/۰۸/۱۰، بازیابی از www.Eghtesadonline.com

۵. افروغ، ع. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی، ارائهٔ الگویی برای جدائی‌گزینی و پیامدهای آن*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

٦. ایران‌دوست، ک. (۱۳۸۹). *سکونتگاه غیررسمی و اسطورهٔ حاشیه‌نشینی* (چاپ دوم). تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات.

۷. ایران‌دوست، ک. (۱۳۹۱). فقر سکونتگاه‌های غیررسمی و امنیت شهری. *فصل‌نامهٔ ره‌نامهٔ سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی*، ۳(۱)، ۱۸۱– ۱۵۹.

۸. ایران‌دوست، ک.، و پاکزاد، ع. (۱۳۹٤). ارزیابی دگرگونی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی در دههٔ گذشته (مطالعهٔ موردی: دولت‌آباد کرمانشاه). *فصل‌نامهٔ علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، *۱۵*(۵۷)، ۱۷۵-۱٤۹.

۹. ایمان‌پور، م.، شمس‌الدینی، ع.، و سرور، ر. (۱٤۰۰). تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرق ایران(مورد مطالعه: شهر بجنورد). *فصل‌نامهٔ مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، (۱)، ۹۲-۷۷.

۱۰. آسایش، ح.، مشیری، ر. (۱۳۸۷). *روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق علمی در علوم انسانی با تأکید بر جغرافیا*. تهران: نشر قومس.

۱۱. باندز، م. (۱۳۹٤). *نظریه‌های اجتماعی شهر (شهر، خود و جامعه)* (صدیق سروستانی، مترجم) (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۲. بشیریه، ح. (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر فلسفهٔ عدالت. *مجلهٔ ناقد*، *۱*، ٥٦-۱۱.

۱۳. پورآقایی، ع. (۱۳۸۳). *بررسی و تحلیل اسکان غیررسمی در شهر رشت و راهکارهای مناسب برای بهبود روند آن* (پایان‌نامهٔ منتشرنشدهٔ کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۱٤. جنسن، ا. ه.، و هولت، ر. (۱۳۷٦). *جغرافیا (تاریخ و مفاهیم)* (تبریزی، ج. مترجم). تهران: انتشارت سیروسیاحت.

۱۵. جواهری‌پور، م.، و داورپناه، ب. (۱۳۸۱). سکونتگاه ناپایدار اقشار کم‌درآمد شهری (بازبینی سیاست‌گذاری‌های دروان اخیر در زمینهٔ اسکان غیررسمی یا نابسامان). *نشریهٔ شهرسازی و معماری هفت شهر*، *۸*، ۹۷-۸۲.

۱٦. جودی‌گل‌لر، پ.، زمانیان، ر.، و فتحی، ح. (۱۳۹٤). ردیابی انگاشت عدالت در نظریه‌های شهر و شهرنشینی: نظریهٔ شهری انتقادی و نظریه نظریهٔ حق به شهر. *نشریهٔ معماری و شهرسازی هفت شهر*، (۵۰-٤۹)، ۱۱۳-۱۰۱.

۱۷. حاتمی‌نژاد، ح. (۱۳۹۱). جغرافیای رادیکال؛ رویکرد میان‌رشته‌ای در جغرافیای انسانی. *فصل‌نامهٔ مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، *٤*(۳)، ۳۱-۱۵.

۱۸. حاتمی‌نژاد، ح.، فرهودی، ر. محمدپور، م. (۱۳۸۷). تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مورد مطالعه: شهر اسفراین). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، *٤۰*(٦۵)، ۸۵-۷۱.

۱۹. حاج یوسفی، ع. (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی و روند تحول آن در ایران (قبل از انقلاب). *نشریهٔ شهرسازی و معماری هفت شهر*، ۳(۸)، ۱۶-۵.

۲۰. حافظ‌نیا، م. ر.، حاجت، ق.، احمدی‌پور، م.، رکن‌الدین، ز.، گوهری، ع. ر.، و گوهری، م. (۱۳۹٤). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه مطالعهٔ موردی: ایران). *فصل‌نامهٔ برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، *۱۹*(۱)، ۵۲-۳۳.

۲۱. خاتم، ا.، و اطهاری، ک. (۱۳۸٦). *حل مسئلهٔ مسکن کم‌درآمدها و اسکان غیررسمی*. مجموعهٔ شهری تهران، مدیریت یکپارچه و حل اسکان غیررسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۲۲. خوش‌روی، ق. (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و فضای شهر. *اولین همایش عمران شهری*، ۲۹ و ۳۰ آذر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، بازیابی از https://civilica.com/doc/13178

۲۳. داداش‌پور، ه.، علیزاده، ب.، و رستمی، ف. (۱۳۹٤). *گفتمان عدالت فضایی در شهر*. تهران: انتشارات آذرخش.

۲٤. داداش‌پور، ه.، و علیزاده، ب. (۱۳۹۰). *اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین*. تهران: انتشارات آذرخش.

۲۵. دولفوس، ا. (۱۳۷٤). *فضای جغرافیایی* (سهامی، س. مترجم) (چاپ دوم). مشهد: انتشارات نیکا.

۲٦. رفیعیان، م. قاسمی، ا.، و نوذری، ک. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان عدالت فضایی در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری تهران. *مجلهٔ جغرافیای اجتماعی شهر*، (٦)، ۸۹-۷۱.

۲۷. رئیس دانا، ف. (۱۳۸۰). *بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران، شناخت پایه‌ای* (جلد یک). تهران: نشر چشمه.

۲۸. زالی، ن.، یوسف، ر.، و نجمه، چ. (۱۳۹٤). ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعهٔ موردی محله مهدی‌آباد (کتسِ بس). *نشریهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، (۲۳)، ۱۱۵-۱۳۲.

۲۹. زاهد زاهدانی، س. (۱۳٦۹). *حاشیه‌نشینی*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

۳۰. زاهدی، م. (۱۳۹۳). *سوداگری در ٤۰ درصد از ارزش کل معاملات مسکن کشور*. روزنامهٔ جهان اقتصاد، امور زیربنایی. تاریخ خبر ۱۳۹۳/۱۲/۱٦، بازبابی از www.jahaneghtesad.com

۳۱. زیاری، ک. ا.، و رفیعی‌مهر، ح. (۱۳۹٤)،. بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی ساکنان مناطق غیررسمی (مطالعهٔ موردی: محلهٔ حصار همدان. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ٤٧(۱)، ۳۲ـ۲۱.

۳۲. سوندرز، پ. (۱۳۹٤). *نظریهٔ اجتماعی و مسئلهٔ شهری* (شارع‌پور، م. مترجم) (چاپ سوم). تهران: انتشارات تیسا.

۳۳. شبلینگ، ژ. (۱۳۷۷). *جغرافیا* چیست؟ (س. سهامی، مترجم). مشهد: انتشارات محقق.

۳٤. شکویی، ح. (۱۳۹۱). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری* (جلد اول، چاپ پانزدهم). تهران: انتشارات سمت.

۳۵. صرافی، م. (۱۳۸۱). مهاجرت داخلی و مدیریت شهری؛ با تأکید بر شرایط ایران. *فصل‌نامهٔ مدیریت شهری*، ۳(۱۰)، ۱۵ ـ ٦.

۳٦. عقیلی، ک.، میرکتولی، ج.، و قبادی، غ. (۱٤۰۰). تحلیل شاخص‌های عدالت فضایی در ساختمان‌های بلندمرتبهٔ گرگان. *آمایش جغرافیایی فضا*، (٤۰)، ۱۳۲–۱۱۹.

۳۷. عمران‌زاده، ب. (۱۳۹٤). *تبیین عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلامی* (رسالهٔ دکتری منتشرنشدهٔ جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳۸. قائدی، ع. (۱۳۹۳). *دو پیش‌نیاز سیاست جدید مسکن*. روزنامهٔ دنیای اقتصاد. شمارهٔ ۳٤۰۸، کد خبر DEN- 857543 ، تاریخ خبر ۱۳۹۳/۱۱/۱۱ بازیابی از www.donya-e-eqtesad.com

۳۹. کرنگ، م.، و ثریفت، ن. (۱۳۹٤). *اندیشیدن دربارهٔ فضا* (م. عبدالله‌زاده، مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

٤۰. گالبرایت، ج. (۱۳٦٦). *ماهیت فقر عمومی* (س. م. عادلی، مترجم). تهران: انتشارات اطلاعات.

٤۱. لوفور، ه. (۱۳۹٤). *درآمدی بر تولید فضا* (آ. ترکمه، مترجم). تهران: انتشارات تیسا.

٤۲. موحدی، م.ج.، بینای مطلق، س. (۱۳۹٤). افلاطون و رالز: عدالت در فرد یا جامعه. *پژوهش‌های فلسفی*، ۹(۱٦)، ۲۱۳–۱۹۷.

٤۳. میره‌ای، م.، حاتمی‌نژاد، ح.، و خدائی، ز. (۱۳۹۱). *اسکان غیررسمی در جهان و ایران*. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم.

٤٤. نجفیکانی، ع. ا.، و حمیدی، خ. (۱٤۰۰). تحلیلی بر تنگناها و راهبردهای توسعهٔ کالبدی و فیزیکی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونهٔ موردی: محله‌های حاشیه‌ای و پیرامونی بابل. *مجلهٔ آمایش جغرافیایی فضا*، ۳۸، ۲۳۸–۲۱۷.

۴۵. نظریان، ا. (۱۳۹۴). *مهاجرت‌های قومی در شهرهای ایران، گذر از مناطق قومی به شهرهای اقوام*. تهران: انتشارات مبتکران.

۴۶. نیوویرث، ر. (۱۳۸۹). *شهرهای در سایه (میلیاردها محله محلهٔ حاشیه‌نشین در دنیای جدید شهری)* (ا. پوراحمد، ا. مشکینی، ژ. سجادی، و ک. حبیبی، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴۷. وارثی، ح.، زنگی‌آبادی، ع.، و یغفوری، ح. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی: مورد زاهدان، *مجلهٔ جغرافیا و توسعه*، ۶(۱۱)، ۱۵۶-۱۳۹.

۴۸. هاروی، د. (۱۳۷۶). *عدالت اجتماعی و شهر* (ف. حسامیان، م. حائری، و ب. منادی‌زاده، مترجمان). تهران: انتشارات شرکت پردازش برنامه‌ریزی شهری.

۴۹. هیراسکار، ج. (۱۳۸۷). *درآمدی بر برنامه‌ریزی شهری* (م. سلیمانی، و ا. م. یکانی‌فرد، مترجمان) (چاپ دوم). تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم.

50. Abbott, J. (2002). A method-based planning frame work for informal settlement upgrading. *Habitat International*, *26*(3), 317-333.
51. Aljafreh, A., Altal, R., & Ibrahim, A. (2021). The social role of open spaces in informal settlements in Jordan. *Open House International, 47*(1), 2-16.
52. Ezebilo, E., & Savadogo, P. (2021). Preferences for infrastructure and determinants of decision to live in a makeshift house in informal settlements. *Economics*, *9*(4), 183.
53. Fainstin, S. (2005). Planning theory and the city. *Journal of Planning Education and Research*, *25*, 1-10.
54. Gilbert, A. (2009). Extremist thinking about slums and slums: Cash. *SAIS Review*, *29*(1), 35-48.
55. Mitchell, D. (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space*. New York: Guilford Press.
56. Owen, K., & Wong, D. (2013). An approach to differentiate informal settlements using spectral, texture, geomorphology and road accessibility metrics. *Applied Geography*, *38*, 107-118.
57. Roger, F., Gouveia, N., Mathee, A., Harpham, T., Cohn, A., Swart, A., & Coulson, N. (2004). Informal sub-division of residential and commercial buildings in Sao Paulo and Johannesburg: Living conditions and policy implications. *Habitat International*, *28*(3), 427-442.
58. Setianto, M. A., & Gamal, A. (2021). Spatial justice in the distribution of public services. Paper presented at *the 3rd International Conference on Smart City Innovation*, 5-6 August, Sanur, Bali.
59. Soja, E. W. (2008). The city and spatial justice. Paper presented at *the conference Spatial Justice,* March 12-14, Nanterre, Paris.

60. UN–Habitat. (2015 a). *International guidelines on urban and territorial. planning* Retrieved from http://unhabitat.org/books/international-guidelines-on-urban-and-territorial-planning/
61. UN-Habitat. (2015 b). *Habitat III-issue-pape- 20 – Housing*. Retrieved from http://unhabitat.org/wp-content/uploads/2015/04/Habitat-III-Issue-Paper-20_Housing-2.0.pdf
62. UN-Habitat. (2015 c). *Habitat- III- issue- paper-22_ informal-settlements*. Retrieved from http:// unhabitat.org/ wp-content/ uploads/ 2015/ 04/ Habitat-III-Issue-Paper-22_Informal-Settlements.pdf
63. UN-Habitat. (2016). *HIII thematic meeting on informal settlement Pretoria.* Retrieved from http:// citiscope.org/ sites/ default/ files/ h3/ HIII_ Thematic_ Meeting_on_Informal_Settlements_Pretoria_2016_Backgrounder.pdf.
64. United Nations. (2015 d). *The millennium development goals report*. Retrieved from http:// www.undp.org/ content/ undp/ en/ home/ librarypage/ mdg/ the-millennium- development-goals-report-2015.html
65. United Nations. (2015 e). Transforming our world: the 2030 Agenda for sustainable development. Retrieved from http:// www.un.org/ ga/ search/ view_doc.asp?symbol=A/RES/70/1&Lang=E